

(1) حضرت با رفعت اخوی مآب سلطنت ایاب مملکت پناه معدلت دستگاہ جلالت آثار عدالت شعار محی مراسم العدل و الاحسان (2) معلی مبانی اللطف و الامتنان شارق رایات المعالی فی الخافقین الویه المفاخر فی المشرقین (3) مدرآه اهل الکفر و الضلال مطرز خلعه العظمه و الاقبال الغازی فی سبیل الله و المویذ من عند الله و المحفوف بصنوف (4) عوارف الصمد و المشمول بشمول عوطف المهیمن الاحد شمس الدوله و الدنیا و الدین سلطان محمد (5) شید الله تعالی ارکان دواته و مهّد بنیان سلطنته را شرایف تحیات عرش سا و لطایف تسلیات سماسیا از سائبه تکلف معرا (6) مبلغ و مودا داشته قصوی منیت بر تمهید قواعد مواخات مصروفست و قصاراء نهمت بر تأکید معاهد موالات معطوف (7) هواره مہّد و مؤکد باد بیمن الله القدیم و فیض فضله العمیم بعد هذا انهاء رای فلك ارای می رود که (8) از قدیم الایام این محبرا بدان خاندان شریف و ارومہء منیف محبت اصلی و مودت و اتحاد جبلی بوده و هست و تا غایه اینمعنی تأکید یافته و بتہید پیوسته (9) و العجب کہ درین مدت مقدس و سفرهآء طویل بہر جانب واقع شدہ خصوصا بقدرت بغداد و با وجود مصادقت و مصافات قدیمہ و موافقت و موالات مستقیمہ (10) پرسش بفرمودند واسطه آن انواع موجبات تہیہ اسباب کامکاری و بختیاری بوده باشد و الیوم بخلاف ان متصورست کہ پیوستہ از جانبین (11) استخبار اخبار اتساق امور دین و دولت و استفسار آثار انتظام مهام ملک و ملت کردہ شود و چون بر مجاری حمراد مستمر باشد (12) در ابتهاج و مسرت افزوده آید و فی الحقیقہ این صورت را هیچ مانع و دافعی نیست الا حسن آق قوینلو کہ (13) در میان

واقع شده و درین مدت ظاهراً صورت موافقت و اخلاصی مینمود و شیمه و قاعده کلی این محب انست که هر کس اندک اخلاصی (14) بدین مخلص ظاهر کرداند رعایت حقوق آنرا انواع مرافقت و مصافات می نماید و مصدوقه هل جزاء الاحسان الا الاحسان بتمهید میرساند (15) فی الجمله چون باطن او با ظاهر یکی نبود و روز بروز حقیقت نفاق از نقض عهد و میثاق او بظهور می پیوست تحمّل و اتقا نموده می شد (16) درین و لاکه آثار خبت عقیدت و سوء مکیدت او اظهار تمام یافت و شکستن عهد او درست شد از میان برداشت او واجب کشت (17) بنا بر آن عنان توجه بدان صوب نهضت یافت و امید بکرم و اهب العطايا<sup>1</sup> هو السلطان الحقیق و السبحان التحقیق<sup>1r</sup> واثق است که دفع فساد و رفع عناد او باسهل الوجوه (18) میسر گردد و هیچ مکروهی در میان نماند آنحضرت نیز همت بلند بریعنی که صلاح دین و دولت را شامل است مقصور فرمایند (19) و از انجانب یمن اهتمام و حسن التفات تمام بدفع و استیصال او مصروف دارند<sup>1</sup> صبح رجا صادق<sup>2r</sup> است که بر حسب ارادت (20) و وفق مراد مواد عناد او انقطاع پذیرد و آنچه مقصود و مطلوب دوستان حقیق است بحصول موصول گردد (21) انشاء الله تعالی باد دولت بسته پیمان تو تا نفع صور باد کردون بنده فرمان تو تا یوم دین

<sup>1r</sup> آمین رب العالمین<sup>3r</sup>

<sup>1</sup> المحبه من غایه السّعف

جهانشاه قرا یوسف<sup>4r</sup>

<sup>1</sup> Hervorgehoben am Anfang des Dokumentes, oberhalb der 1. Zeile des Textes geschrieben; gehört hierher. <sup>2</sup> Bei Navā'ī findet man diese Wendung in einem seiner Dokumenten in der Form رجا صادق (vgl. p. 553), in einem anderen Dokument in der Form امید واثق و رجا صادق (vgl. p. 662). <sup>3</sup> In die untere linke Ecke des Dokumentes geschrieben. <sup>4</sup> In Höhe des Zwischenraumes der 17.-18. Zeilen auf den Rand geschrieben.